

تبارشناسی دولت‌های دوفاکتو: بررسی دولت دوفاکتوی کردستان عراق

محمدرضا حاتمی*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۸

چکیده

۲۴۳

از آغاز پیدایش سیستم بین دولتی مدرن خاورمیانه بحران اجتماعی و سیاسی، شکنندگی دولت / ملت‌های ضعیف و کج کارکردی آن‌ها در انسجام بخشی به قلمرو سرزمینی و هویتی، باعث خیزش کنشگران غیر دولتی با مطالبات جدایی خواهانه گشته است. به طور اساسی از آغاز شکل گیری دولت‌های مدرن در خاورمیانه که به طور غالب بر میراث آخرین امپراطوری پیشامدرن این پهنه یعنی امپراطوری عثمانی به وجود آمدند، دولت مدرن در این منطقه با چالش‌های جدی همراه بوده است. تعریف هویت ملی بر اساس مؤلفه‌های زبانی یا نژادی و فرقه ای قومیتی خاص در این دولت‌ها نه تنها سبب یکپارچگی ملی نشده است بلکه خود محرکی در جهت انشقاق بوده است. حال آن که هویت ملی می‌بایست بر پایه ناسیونالیسم سیاسی تعریف می‌شد و تابعیت ملی و حقوق ملازمه آن عیار وحدت و یکپارچگی ملی قرار می‌گرفت، گرایش‌های قومی، زبانی و فرقه‌ای نخبگان مسلط که در تلاش برای تعریف هویت ملی دولت‌های خاورمیانه بر پایه یک زبان یا قومیت واحد بوده‌اند در دولت‌های متکثر خاورمیانه چالش یکپارچگی ملی را عمق بخشیده است، گسل‌های هویتی در عراق پس از بیش از نیم قرن سیاست عربی‌سازی و شکل گیری حکومت منطقه‌ای کردستان عراق، نمونه برجسته ای از شکست سیاست ادغام ملی در خاورمیانه است. به گونه‌ای که به پیدایش یک دولت دوفاکتو در اقلیم کردستان منجر شده است. در این مقاله به تبارشناسی دولت‌های دوفاکتو با تمرکز بر کردستان عراق پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: دولت‌های دوفاکتو؛ حکومت منطقه‌ای کردستان عراق؛ خاورمیانه



۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور

* نویسنده مسئول: hatami5@yahoo.com

مقدمه

ساختارهای دوافکتو یا ملت‌های بدون دولت، چالشی بزرگ در نظام بین‌الملل و تهدیدی جدی بر علیه انسجام سرزمینی کشورهای خاورمیانه ای می‌باشند. در موج جدید فرآیند دموکراتیزه شدن خاورمیانه، خیزش اقلیت‌ها و پیگیری اهداف خود مختاری، منجر به عدم ثبات و تعارض در مناطق مورد منازعه، شده است. یکی از مناطق مورد منازعه در خاورمیانه، عراق می‌باشد که بدنبال فروپاشی حزب بعث و تشکیل یک دولت / ملت ضعیف، زمینه برای ساختار دوافکتوی کردهای عراق، فراهم آورد. کردهای عراق در قرن بیستم و برای کسب مطالبات بیشتر، روندی رو به رشد همراه با سرکوب را طی نموده‌اند. آن‌ها از کلان به قبیله، از قبیله به قوم و سپس به یک ملت تبدیل شده‌اند. سیر تحول ارتقا آن‌ها نیز از سرکوب به خود مختاری، از خود مختاری به شبه دولت دوافکتو می‌باشد. بدنبال حملات گروه‌های تروریستی و از سال ۲۰۱۴، فرآیند دو فاکتو بودن منطقه اقلیم کردستان عراق، تسریع و این حاکمیت محدود خود را به حاکمیت دوژوور، نزدیک نمود. گرچه باید عنوان نمود استقلال کردستان عراق، برای منطقه اقلیم، اعراب سنی و شیعه حکومت مرکزی عراق، کشورهای همسایه و عوامل فرامنطقه‌ای، ژانوس وار و تهدید/ فرصت زا است و قطعاً همه پرسى برای استقلال با توجه به عدم حمایت کشورهای همسایه و تشتت آراء همه پرسى در درون منطقه اقلیم، کاری به شدت تنش زا کما اینکه پس از شکست داعش و تقویت حکومت مرکزی، منطقه اقلیم کردستان به مرزها و حاکمیت محدود خود تحت لوای حکومت مرکزی برگشت. در سالیان حکومت دوافکتو، کردستان عراق، با تعامل با دنیای خارج، دیاسپورای کرد، تقویت زیر ساخت‌های صنعتی و اداری، موفق گردیده یک مدل حکمرانی فدراتیو را برای خود تعریف و آن را به صورت شایسته‌ای عملیاتی نماید. در این راستا با استفاده از یک دیپلماسی نیم بند که البته مدیون احزاب ریشه دار پارتی/ اتحادیه است، مفصل بندی گفتمان هویتی / سرزمینی / ژئوپلیتیک را بوجود آورده که این صورت بندی پایه اساسی استقلال این منطقه می‌باشد. کردستان عراق در حال حاضر و پس از سال ۲۰۰۳ و حملات داعش گفتمان ژئوپلیتیکی جدیدی را برای خود تعریف نموده است. گرچه کردستان عراق یک دولت - ملت نیست ولی به عنوان یک شبه دولت یا ساختار دوافکتو

با رصد ژئوپلیتیکی، کدهای ژئوپلیتیک اطراف خود را در میدان‌های متعارض، تشخیص و با توجه به مضائق و فرصت‌های ژئوپلیتیکی در میدان مغناطیسی آن‌ها قرار می‌گیرد. این پژوهش با نگاهی بدیع به تبارشناسی حاکمیت‌های دوفاکتو در منطقه خاورمیانه پرداخته و به عنوان یک مطالعه موردی کردستان عراق را به خصوص پس از همه‌پرسی استقلال این منطقه از منظر سازه‌انگاری، تحلیل می‌نماید. روش این تحقیق، تحلیلی - توصیفی و بنیادین و در پی تئوریزه نمودن، نحله‌ای از حاکمیت‌های محدود در خاورمیانه بحرانی، می‌باشد. شایان ذکر است، تحقیق پیشرو، به علت پژوهش‌های بسیار در تاریخ مدرن کردها، به صورت اجمالی از بازه زمانی دهه ۹۰ و چگونگی وقایع این دهه، عبور می‌نماید.

پیشینه تحقیق

- مقاله‌ای با عنوان "مرزهای خصم، صورت بندی دولت دوفاکتوی کردستان عراق" (۲۰۱۷)، توسط یوهان جودی. این مقاله جدیدترین تحولات کردستان عراق را بررسی می‌نماید و مفروض خود را در ساختار موفق دوفاکتوی کردهای عراق، ائتلاف اجتماعی احزاب کردستان بر سر حاکمیت دوفاکتو، علی‌رغم اختلافات آنها می‌داند. از سویی این مقاله با الهام از صورت بندی دولت در اروپا، سرکوب و جنگ را پایه یک ائتلاف برای استقلال کردها می‌داند.

- اثری با عنوان "مبارزه کردها برای حاکمیت، امنیت انسانی و جامعه" (۲۰۱۷) توسط هاورا و کانلی^۱. این گزارش دولت کردستان عراق را به عنوان یک شبه دولت معرفی و به قابلیت‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی این منطقه برای تعامل با جهان خارج تاکید می‌نماید. این مقاله دولت اقلیم را یک قدرت منطقه‌ای می‌داند که زمینه‌ای یک دولت - ملت دوزور را دارد.

- مقاله‌ای با عنوان "بازخوانش جغرافیایی از دیاسپورا" (۱۳۹۶) توسط محمدرضا حاتمی. نویسنده در این مقاله پیشتاز با تبارشناسی دیاسپورا، یکی از کارکردهای اصلی

^۱ Hawra & conelly

دیاسپورا را خیزش و نضج افکار هویتی، سرزمینی و پایه‌های دولت / ملت سازی در موطن اصلی می‌داند.

-مقاله‌ای با عنوان "خیزش کنشگران دولتی در خاورمیانه، ابعاد منطقه‌ای" (۲۰۱۵) توسط شاموس زامان، نگاشته شده است. این مقاله، وضعیت خاورمیانه و نقش کنشگران غیر دولتی را مرتبط با دوران استعمار می‌داند که مرزهای تصنعی و تعارضات قومی و مذهبی را موجب شده است. در این راستا تمرکز اصلی مقاله بر خیزش جنبش‌های غیر دولتی رادیکال اسلامی مانند داعش و القاعده و نه جنبش‌های قومی، قرار می‌گیرد.

-مقاله‌ای با عنوان "شبه دولت‌ها، منادبان ژئوپلیتیک پست مدرن" (۲۰۱۱) اثر جان اولوگلین. این مقاله به طبقه بندی شبه دولت‌ها پرداخته و از منظر ژئوپلیتیک، تلفیق ناسیونالیسم و قلمرو واهی دولت‌های دوفاکتو را بررسی می‌نماید. یکی از محورهای اصلی مقاله، تعارضات قومی و فرهنگی و مانیفست تجزیه طلبانه این شبه دولت‌ها در فضاهای ژئوپلیتیکی است. نویسنده، مطالعه موردی خود را تجزیه طلبی کشورهای پسا شوروی قرار می‌دهد.

-مقاله‌ای با عنوان "شبه دولت کردها، برزخ سیاسی" (۲۰۱۵) توسط دنیس ناتالی. نویسنده در این مقاله، دولت عراق پس از سال ۲۰۰۳ و انتفاع کردها را در برزخ سیاسی این بازه زمانی نشان می‌دهد. در این برزخ، کردها دست به قلمرو خواهی و بسط سرزمینی خود زده، گرچه نویسنده نشان می‌دهد که کردستان عراق فعلاً آماده یک حاکمیت دوژوور و دولت / ملت شدن را ندارد.

-رساله دکتری با عنوان "ظهور پارادیم دولت بودگی کردها در خاورمیانه" (۲۰۱۳) توسط انوش آراکلیان. در دانشگاه ارمنستان. نویسنده اعتقاد دارد که ظهور کردستان عراق به عنوان یک منطقه خودمختار، باعث خیزش ناسیونالیسم کردی در کردستان‌های مجاور شده و شناسای تقاضای کردها در کشور عراق باعث یک دومینوی تغییر در وضعیت کردهای و نقض حقوق کردها، شده است. فرضیه کلی این رساله، تاکید بر این موضوع است که ایجاد منطقه دوفاکتوی کردستان عراق، موجب نشانه‌های از موج پان کردیسم و بیداری کردهای دیاسپورا شده است.

- مقاله‌ای با عنوان "کردهای بی دولت و دیاسپورای کرد" (۲۰۱۶)، توسط لطیف تاس. این مقاله دیاسپورای کرد را به عنوان یک دوفاکتوی بی دولت در برابر بی دولت‌های دوزوور قرار می‌دهد و اجحاف در خلق پناهندگان دوفاکتوی بی دولت را، تلاشی اساسی برای دیاسپورای کرد برای تشکیل دولت می‌داند. در نهایت این مقاله تأثیر گذار، ارتباطی را بین سه مؤلفه بی دولت بودن، دیاسپورا و ناسیونالیسم را برای کردها به تصویر می‌کشد.

- پروژهای با عنوان "ریشه‌های دول دوفاکتو، مفروضاتی در خصوص کردستان عراق"، (۲۰۱۵) توسط ژینگر حسن. این مقاله سه دولت دوفاکتو کوزوو، سودان جنوبی و کردستان عراق را با یکدیگر، مقایسه و ترجیحات و قابلیت‌های این شبه دولت‌ها را با استفاده از نظریه‌های رئالیستی و لیبرالیستی، تشریح می‌نماید. این پژوهش، پاسخ به دو سؤال مهم را در پژوهش خود تحلیل می‌نماید: چرایی و چگونگی تشکیل دولت‌های دوفاکتو و چرایی اعلام استقلال یک جانبه این دولت‌ها

- کتابی با عنوان "کردستان عراق، از سرکوب تا حاکمیتی دوفاکتو" (۱۹۹۱)، اثر محمدرضا عبدالله پور و حمیدرضا خانپور. این کتاب برای اولین بار واژه حاکمیت دوفاکتو را با نگاهی امنیتی برای میدان‌های غیریت ساز کردستان، تحلیل می‌نماید و سیر تحولات کردستان عراق را از سرکوب به شبه دموکراسی و دولت دوفاکتو تحلیل می‌نماید. نویسندگان بر این اعتقادند این سیر تحول با توجه به فضاهای ژئوپلیتیک، به حاکمیت دوزوور، نزدیک می‌شود.

مبانی نظری

سازه‌نگاری و ریشه‌های دول دوفاکتو

دولت‌های دوفاکتو برای اولین بار در دوره استعمارزدائی در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی بوجود آمدند، بطوریکه بعد از جنگ جهانی دوم ۲۴ دولت دوفاکتو بوجود آمده است از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نیجریه، کنگو، اریتره، تایوان و کردستان عراق، اشاره کرد (Geldenhouse, 2001: 34). بعضی از این دولت‌ها موفق شدند به حاکمیت دوزوور برسند، بعضی دیگر مجدداً در سرزمینی که از آن منتزع شدند، الحاق گردیدند و بعضی

دیگر به حاکمیت دوفاکتو ادامه دادند. گرچه باید عنوان نمود دولت‌های دوفاکتو به صورت تاریخی بوسیله جامعه بین‌الملل و بدلیل وضعیت ناپایدار، مورد فراموشی قرار گرفته‌اند. اسکات پگ، اولین کسی است که به صورت مشخص واژه دولت دوفاکتو را در ادبیات روابط بین‌الملل وارد نمود (Pegg, 1998: 87). مایکل گانتز نیز برای اولین بار از حکومت محلی کردستان عراق با عنوان دولت دوفاکتو کردستان عراق نام برد (Gunter, 1993: 195). در ادبیات روابط بین‌الملل این واژه با نام‌های مانند (شبه دولت semi state, Unrecognized state, quasi state, Autnomus, دولت غیر رسمی (De facto state), همسان است. (عبداله پور، ۱۳۹۳). گرچه این نحله‌ها، فاقد رویه‌های دولت بودن هستند. گلدن هاوس، استدلال می‌نماید که غالب دولت‌های دوفاکتو که خود را شایسته دولت بودن می‌دانند با چالش‌هایی توسط دول منطقه‌ای، دولت مرکزی و جامعه بین‌الملل، مواجه می‌شوند (Geldenhause, 2001: 24). به طور کلی دو تعریف جامع در خصوص دول دوفاکتو وجود دارد. اسکات پگ اعتقاد دارد که، یک دولت دوفاکتو در جایی بوجود می‌آید که دارای یک رهبری سازماندهی شده، درجه‌ای از ظرفیت بومی و محلی و حمایت‌های مردمی در قلمرو سرزمینی خاص باشد. به علاوه کنترل یک قلمرو مشخص در بازه زمانی مشخص از ویژگی‌های اصلی یک دولت دوفاکتو است (Pegg, 1998: 16). باغچلی، دولت دوفاکتو را دولتی می‌داند که در منطقه‌ای، کارکردهای طبیعی یک دولت را در قلمرو خود انجام می‌دهد و توسط یک جمعیت متجانس، حمایت می‌شود (Bahcheli, 2013) به طور کلی یک دولت دوفاکتو سه ویژگی ذیل را دارا می‌باشد:

- شامل کنترل سرزمینی بر قلمرو مشخص و مدیریت بر آن برای حداقل دو سال
- عدم شناساس بین‌المللی از آن
- آرزو و تمایل برای حاکمیت دوزوور از طریق رفتارندوم یا اقدامات جدائی خواهانه

دیگر (Casperson & Stansfield, 2008: 99: 12).

سازهانگاری از معدود مکاتب روابط بین‌الملل است که به صراحت در خصوص دولت‌های دوفاکتو به نقش این متغیر، می‌پردازد. سازهانگاری بطور کلی، به منظری فلسفی اطلاق می‌شود که بر اساس آن، تمامی دانش و نیز پدیده‌های انسانی برساخته

شده‌اند و این برساختگی نیز بگونه‌ای اجتماعی و در جریان کنش متقابل بین الاذهانی است.. مباحث هستی‌شناختی به وضوح کانون اصلی توجه سازه‌انگاران را تشکیل می‌دهد. بر این اساس سازه‌انگاران از نظر هستی‌شناختی، واقعیت‌های اجتماعی را اموری ذهنی قلمداد می‌کنند که از مجموع قواعد، احکام، انگاره‌ها و ... تشکیل شده است که این مفاهیم در طول زمان و در یک فضای جغرافیایی خاص تکوین یافته‌اند و متأثر از فرایندهای مختلف بوده‌اند تا به فرم و ساخت فعلی رسیده‌اند. این تغییر و اثر پذیری امری ایستا نیست بلکه دائماً در حال دگرگونی و بازتولید است. به همین سبب سازه‌انگاران جهان اجتماعی را در حال شدن می‌بینند (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱۱) همانگونه که "کابالکوا" می‌گوید سازه‌انگاران، جهان و از جمله جهان بین‌المللی را یک "پروژه بر ساختن بی پایان" می‌دانند که برساختن آن بر زمینه‌ای از ادراکات و تلقی‌های زمینه‌مند فراهم می‌آید (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱۴). این ادراکات در حال تغییر در هر برهه زمانی و در هر فضای جغرافیایی، فرم‌هایی از تصورات و انگاره‌ها را بدست می‌دهند که بر سازنده هویت افراد و گروه‌ها است. بدینوسیله موجود خودآگاه، به تاریخ، حافظه مشترک جمعی، جایگاه سرزمینی، فرهنگ و ... اشاره می‌کند و خود را از دیگرانی که صاحب این خصلت‌ها نیستند متمایز می‌کند. پس در کل، هویت‌ها بر اساس اشاره به "زمینه‌ها" شکل می‌گیرند. بنابراین کنشگران براساس این انگاره‌ها و تصورات ذهنی، خود را از دیگران باز می‌شناسند و به مفهوم کیستی خود و دیگری نائل می‌شوند. کنشگران دارای هویت، براساس مجموعه تصوراتی که از خود و دیگری و فضای کنشگری دارند دست به کنش می‌زنند و در جهت کسب منافع هستند که ریشه در همین انگاره‌ها و هویت‌ها دارند. ونت منافع ناشی از هویت و انگاره‌ها را مشتمل بر ۴ نوع منفعت می‌داند:

۱. امنیت مادی، که شامل تمایز از دیگر کنشگران است؛
۲. امنیت هستی‌شناختی، که موجد میل به هویت‌های اجتماعی باثبات است؛
۳. شناسایی، به عنوان کنشگر از سوی دیگران به شکلی ورای بقا از طریق استفاده از زور عریان و
۴. توسعه، به معنای تأمین خواست‌های انسانی برای زندگی بهتر که دولت‌ها در سطح جمعی مسئول آن شناخته می‌شوند (Wendt, 1994: 385) هر کنشگری منافع خود را براساس نظام هویتی



خود جستجو می‌کند. از آنجا که هویت‌ها، منافع و کنش بازیگران را شکل می‌دهند، فهم و تلقی درست از آن‌ها برای تحلیل در سیاست خارجی و رفتار بین‌المللی بازیگران فوق العاده حیاتی است. در این راستا ونت هویت‌ها را اساس منافع می‌داند (Wendt, 1992: 398) و معتقد است بدون انگاره‌ها منافی وجود نخواهد داشت، بدون شرایط مادی در کل واقعی وجود ندارد. در نهایت برای هر نظام اجتماعی مفروضی، تنها ساختار (به شکل واحدی) وجود دارد. سازه‌انگاران بر این اعتقادند که ساختارها و کارگزاران منافع متقابلی دارند (Reus.Smit, 1996: 195) و این دو نحله از طریق هنجارها، یکدیگر را دائماً تولید و بازتولید می‌کنند. در نگاه آن‌ها، هویت یک ابزار است که می‌تواند توسط نخبگان به کار برده شود. قومیت نیز یک ابزار صرف توسط نخبگان و برای اهداف اقتصادی و سیاسی است، بنابراین الیت‌های سیاسی همیشه و با استفاده از این مؤلفه‌ها، باعث افول و صعود صلح و تعارض و برای پیشبرد منافع خود می‌باشند. سازه‌انگاران قومیت را یک پدیده اجتماعی می‌دانند و با این نگاه، خشونت قومی بوسیله سیستم‌های اجتماعی حادث می‌شود و این ماهیت سازه‌ای اجتماعی قومیت است که منجر به خشونت می‌شود (Lake & Rthchild, 2006: 17). نخبگان از ایده‌های هویتی و ناسیونالیسم در راستای منافع شخصی خود استفاده می‌کنند، پیامد این موضوع ارتباط بین خشونت دولتی و دولت دوفاکتو است، به عبارتی خشونت دولتی بوجود می‌آید، وقتی که دولت دوفاکتو، پدیدار می‌گردد. سازه‌انگاران، اعتقاد دارند که تعارضات قومی نتیجه هویت‌های گروهی مخرب است که توسط اسطوره‌سازان ملی گرا بوجود می‌آید که پیامد آن نیز در راستای منافع نخبگان قومی و برای دستیابی به قدرت آنان است (Kaufann, 1996: 152). بر خلاف رئالیست‌ها که نظام بین‌الملل را تنها کنشگران در تصمیم‌سازی‌ها می‌دانند، سازه‌انگاران نقش افراد و گروه‌ها را در بازخوانش ترجیحات سیاسی، مهم می‌دانند. مطابق با نظر سازه‌انگاران، گرچه قابلیت‌های سنتی مانند قدرت نظامی و منابع اقتصادی می‌توانند تسهیل‌گر مبارزه‌گروه‌ها برای استقلال باشند، ولی قدرت ایده‌ها، مبارزه برای استقلال است که می‌تواند مهم باشد. زمانی که یک گروه قابلیت‌های را در اختیار ندارد، مجبور خواهد شد که یک استقلال دو فاکتو را بپذیرد. از سوی و با این نگاه، دول دوفاکتو، محصول جانبی هنجار بین‌المللی بر علیه شناسایی

جدایی یک جانبه و تعیین حاکمیت دولت‌ها می‌باشند. فرضیات سازه‌انگاران یک چشم انداز ارزشمند را در ریشه‌های تعارض قومی و ظهور دولت دوفاکتو بویژه ایده‌های استفاده رهبران گروه‌های قومی از ناسیونالیسم برای دستیابی منافع شخصی، ارائه می‌دهد. سازه‌انگاران نقش منافع و عوامل مادی را در تشریح رفتار گروه‌های قومی و ظهور دول دوفاکتو را انکار و بر این اعتقادند که رفتار دولت دوفاکتو بوسیله ایده‌ها، هنجارهای بین‌الملل و نقش نخبگان در ساختن ترجیحات، شکل می‌گیرد. دولت دوفاکتو، محدود به آنارشی یا قابلیت‌ها نیست، بلکه بوسیله مؤلفه‌های سه گانه گفته شده که بر رفتار دولت‌ها و شبه دولت‌ها، تأثیر می‌گذارد، بوجود می‌آید.



در اینجا دو نکته مهم شامل:

- دولت دوفاکتو باید ملاحظه کنند چگونه جامعه بین‌الملل به اعلامیه استقلال آن‌ها پاسخ می‌دهند (جامعه بین‌الملل همیشه انسجام سرزمینی دولت‌های مستقل را به عنوان ترجیح سیاسی، قبول دارد). (Belanger, 2005:435)

ایده‌ای در خصوص آنارشی و اینکه بقا مهم است، اگر دولت دوفاکتو چنین ایده‌ای را در خصوص پیامدها و محدودیت‌های مرتبط با آن‌ها را بپذیرند، در این حالت دول دوفاکتو، مسیرهای متفاوتی را می‌توانند طی کنند. این مسیر متفاوت یعنی، تعقیب امنیت بوسیله بدست آوردن قابلیت‌های نظامی و یا گفتگو با دول مشارکت جو و ذینفع برای حصول به یک توافق می‌باشد. به علاوه ظهور دول دوفاکتو با دولت/ملت‌های ضعیف و شکننده، ارتباطی معنادار دارد. از سویی، دولت ضعیف، دولتی است که کارکردهای امنیتی، اجتماعی و اقتصادی خود را در نواحی تحت حاکمیت نمی‌تواند، به شایستگی انجام دهد که این امر، موجب تشکیل فضاهای تجزیه شده می‌گردد... به عبارتی لحظه

کسوف دولت / ملت ضعیف، لحظه خیزش دولت دوفاکتو می‌باشد. در تنقیح فضای تجزیه شده، باید گفت که این فضاهاى تجزیه شده، نتیجه دولت ملت‌هاى شکننده خاورمیانه‌ای حاصل از مرزهای تصنعی خاورمیانه‌ای می‌باشد که مرزهای هویتی ناپایداری دارند (حاتمی، ۱۳۹۶: ۴۶). کولوسف و اولوگلین، ضمن اینکه از شبه دولت‌ها به عنوان منادیان ژئوپلیتیک پست مدرن به جهت گفتمانی بودن آن یاد می‌کنند، بر این باورند که حفره‌های تاریک شبه دولت‌ها، غالباً در محل تلاقی بین امپراطوریهای سابق و تمدن‌ها و نیز نواحی که جمعیتی مختلط با پیچیدگیهای خاص قومی را دارند رخ می‌دهند (Kolosov and O'Loughlin, 1998:56).

رفتار سیاسی کردهای عراق به مثابه یک منطقه خودمختار: (۱۹۹۱-۲۰۰۳)

مسأله کردستان گرچه سابقه دیرینه‌ای دارد ولی پس از فرو پاشی نظام دو قطبی و شکست صدام از نیروهای ائتلاف در سال ۱۹۹۱ به صورت یک پدیده ژئوپلیتیکی فعال در منطقه و جهان ظاهر گشت و نوعی حکومت خودگردان کرد را در شمال عراق شکل داد (Stansfied, 2003:17). در کردستان عراق، شرایط بدخیم ژئوپلیتیک، محدودیتهائی را در تصمیم سازی و تصمیم گیری بر سیاست گذاری‌های رهبران آن تحمیل کرده که بر سیاست منطقه‌ای حکومت حریم کردستان تأثیر به سزائی داشته است. اهم این شرایط به شرح ذیل می‌باشند.

- به رغم دسترسی به منابع آبی فراوان، عملاً، کردستان عراق یک منطقه محصور در خشکی است.
- این منطقه بین دو قدرت بزرگ منطقه‌ای ایران و ترکیه و بر روی یک گسل تمدنی پارس - ترک - عرب قرار دارد.
- استان‌های نفت خیز کرکوک، موصل و قسمت‌های اعظم استان دیالی، در نزدیکی مرزهای ایران و ترکیه قرار دارد و از نظر ژئوپلیتیک این امر یک ضعف و آسیب‌پذیری امنیتی تلقی می‌شود.

- تقسیم کردستان عراق بر پایه خطوط مذهبی و قومی به طوری که دو گرایش عمده قومی، لهجه‌ای سوران - بادینی و حضور کردهای فیلی، یزیدی، شبک و حضور ترکمن‌های شیعه، سنی و اقلیت‌های آشوری و نسطوری گسلهای عمیق ژئو اتنیکال را در منطقه به وجود آورده است (عبداله‌پور، ۱۳۹۰: ۸۸).

در اوایل مارس ۱۹۹۱ و متعاقب حمله صدام به کویت، کردهای عراق دست به انتفاضه زده و تقریباً تمامی مناطق کردنشین عراق را به تصرف خود درآوردند. شهرهای مهم سلیمانیه و اربیل به دست پیشمرگ‌های کرد افتاد. در ماه آوریل ارتش عراق با بازسازی خود تمامی مناطق کردنشین را از وجود پیشمرگ‌ها، پاکسازی نمود که این امر کوچک تراژیک کردها را به ایران و ترکیه فراهم آورد. با جنایات حکومت بعثی در مناطق کردنشین، تصویب قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت در سال ۱۹۹۱ و منطقه پرواز ممنوع مدار ۳۶ درجه بوجود آمد که نقطه عطفی در تبدیل این منطقه به یک ساختار دوقطکتو می‌باشد. این قطعنامه باعث حکمرانی کردها بر سه استان اربیل، سلیمانیه و دهوک گشت و سایر مناطق کردنشین از کردها خلع ید گردید که مهم آن شهر نفتی کرکوک بود. (Hassan, 2016,1946:12)

انتخابات پارلمانی سال ۹۲، کردستان عراق را بین دو حزب اتحادیه و دموکرات تقسیم کرد که استان‌های اربیل و دهوک را حزب دموکرات و سلیمانیه را، اتحادیه به خود اختصاص دادند.

در اوائل ماه مه ۱۹۹۴، درگیری‌های بین دو حزب بر سر کنترل منابع مالی، نفتی و گمرکی صورت گرفت که باعث کشته شدن هزارپیشمرگ از طرفین شد (Gunter, 2005:32) گرچه جنگ داخلی باعث بوجود آمدن نهادهای سیاسی و فرهنگی شد که بعدها این نهادهای پایه یک شبه دولت را برای کردها بوجود آورد. در سپتامبر ۱۹۹۸ دو حزب برای رسیدن به یک آتش بس دائم و بازگشائی پارلمان، به توافق رسیدند. به طور کلی دهه ۹۰ برای کردهای عراق علاوه بر خودمختاری سیاسی؛ باعث پدید آوردن فضائی برای نضج افکار ناسیونالیستی کردهای عراق، نهادسازی، ارتباط با جهان خارج به عنوان یک ملت بدون دولت و تقویت بنیه نظامی کردها شد، به صورتی که در حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، بعد از پیاده نظام آمریکا، بیشترین نیروی پیاده از آن کردهای عراق و برای فتح موصل و کرکوک بود. (عبداله‌پور و خانپور، ۱۳۹۲: ۱۱۵)

رفتار سیاسی کردهای عراق به مثابه یک دولت دوفاکتو: (۲۰۱۴-۲۰۰۳)

این دوره را می‌توان خروج از خود مختاری و تشکیل حاکمیت دو فاکتوی کردهای عراق نامید. در این بازه زمانی می‌توان دو گفتمان و یک جریان اصلی را برای کردستان عراق بر شمرد. حزب دموکرات کردستان عراق با گفتمان دولت - ملت گرایی و کسب استقلال سیاسی و گفتمان اتحادیه میهنی - جنبش تغییر با گفتمان فرهنگ پلورال و جریان اسلام گرایی: گفتمان اسلامی و پویایی اپوزیسیون داخلی.

از سال ۲۰۰۰ تا ژوئن ۲۰۱۴، زمانی تأثیر گذار برای مشارکت کردها در یک عراق جدید، واحد و فدرال بود. از حمله آمریکا به عراق تا سال ۲۰۰۶، مقامات آمریکایی و عراقی بر روی بازساخت حاکمیت عراق بعد از صدام تمرکز و به چالش‌های شیعیان، سنی‌ها و کردها، توجه نمودند. اما انتقاد اصلی روشنفکران و قشر دانشگاهی در عراق، مربوط به پیش نویس قانون اساسی بود که با عجله، تنظیم و به کردها، امتیازات زیادی داده شده است (Visser, 2010:81)، بطوری که خیلی از اعراب این قانون را تحت فشار غرب و کردها، می‌دانستند (Gunter,2011:1627). اهداف کردها تا حد زیادی در قانون اساسی و در محافظت از توسعه سیاسی و امنیتی، تأمین شده بود. مطابق با تحلیل مقامات کرد، اهداف اصلی کردها در طی مذاکرات قانون اساسی، حفظ و امنیت منطقه دوفاکتوی کردستان و مبارزه بر لیهه تمرکزگرایی و تهاجمات بغداد آینده بود. علی ایحال، تصمیم کردها، ماندن در کنار شیعیان و سنی‌ها به عنوان سه ستون اصلی، عراق واحد بود (Omed sabah,5 may 2015). امنیت مطمع نظر کردها، شامل فدرالیسم، توانایی حفظ نیروهای پیشمرگ، شناسایی کرکوک به عنوان اقلیم مورد مشاجره که نیاز به همه پرسی دارد، افزایش بودجه منطقه اقلیم و قطع حقوق کارمندان و توسعه منابع انرژی و طبیعی منطقه اقلیم کردستان ((Visser,2010:82). اتفاقاً عامل جدائی و تنش بین کردها و بغداد از سال ۲۰۱۰ تا ظهور داعش، همین عوامل بودند، گرچه عقب نشینی آمریکا از عراق این وضعیت را، متشنج تر نمود (Romano,2012:192). به طور کلی ترجیحات کردها در این سال‌ها، تشکیل یک منطقه دوفاکتو در درون عراق واحد بود، شاخص آن نیز حضور حداکثری نمایندگان کردها در پارلمان عراق برای قویتر نمودن عراق متحد بود. با این وضعیت، پست‌های ریاست جمهوری و وزارت خارجه نیز به کردها و طالبانی و زیباری، رسید.

اما همچنان حزب دموکرات کردستان، در راستای امیال استقلال طلبانه منطقه اقلیم، تلاش می‌نمود. عبدالسلام برواری از کادرهای قدیمی حزب، ابراز می‌دارد که هدف حزب، استقلال کردستان می‌باشد و این استقلال، بازتابی از اهداف ژئوپلیتیکی است که با عراق واحد، بدست نمی‌آید (Berwari, 7 May 2013)

خیزش سیاسی کردهای عراق به مثابه یک دولت دوژوور: (۲۰۱۴- همه پرسى استقلال) آنارشی سرزمینی در عراق و ایجاد یک دولت شکننده در بغداد که حاکمیت سرزمینی نیمی از عراق را تا سال ۲۰۱۶ از دست داده بود، ظرفیتی مناسب برای تقویت هویت و سازه‌های نظامی و کمک‌های بین‌المللی به کردهای عراق بود. بنابراین می‌توان، حضور تروریسم را کاتالیزور استقلال خواهی، کردهای عراق نامید. از سویی و در ارتباط با فرضیه تحقیق باید عنوان نمود، وقتی دولت حاکم، فاقد ظرفیت نهادی و کامیابی اقتصادی برای همراهی با مطالبات دولت دوفاکتو است، گروه‌های ناراضی غالب در راستای منافع دولت دوفاکتو، پروژه استقلال را به پیش می‌برند (assan, 2015: 245). بنابراین فرآیند استقلال و دوژوور شدن دولت دوفاکتو، دو بعد دارد: عزم دولت دوفاکتو برای استقلال و فقدان ظرفیت نهاد سازی دولت حاکم در مناطق مورد مناقشه دولت دوفاکتو.

در خصوص عزم دولت دو فاکتوی کردستان برای فرایند دوژوور بودن باید تاکید نمود که، رهبران کردهای عراق، منافعشان را از طریق گفتمان‌های هویتی تبیین نموده‌اند، چرا که سازه‌های هویت ملی آن‌ها یک تأثیر قدرتمند را در سازه‌های منافع ملی آن‌ها دارد، زیرا گفتمان‌های هویتی کردهای عراق از طریق گفتمانی هویتی به نام "کورد نایه تی" توسعه یافته است. بررسی این ایدئولوژی به ما اجازه می‌دهد که تغییرات تاریخی تعریف منافع ملی را برای کردها بهتر بفهمیم. از سوی دیگر رهبران کردها، خطی از دوستان و دشمنان خود را در ارتباط با منافعشان ترسیم نموده‌اند که کشورهایی که تهدید هستند، دشمن و کشورهایی که تهدیدی به حساب نمی‌آیند، متحد آن‌ها می‌باشند. دشمنان و دوستان نیز به دو مقوله دشمنان بالفعل (تهدید فوری) و بالقوه (درک تهدیدات در حال ظهور)، تقسیم می‌شوند. از سوئی کردستان عراق به عنوان یک شبه دولت می‌باشد که در محل تلاقی بین امپراطوریهای سابق، تمدن‌ها و نیز نواحی که

جمعیتی مختلط با پیچیدگیهای خاص قومی را دارند یعنی حوزه تمدنی عرب/ ترک / ایرانی، خواهان خیزش هویت قائم به ذات خود می‌باشد. در بافت ژئوپلیتیکی کردستان عراق، دولت‌های همسایه به عبارتی دیگر، تهدیدی برای هویت و امنیت منطقه اقلیم به شمار می‌روند و مشروعیت آن‌ها در کردستان عراق، تنها به دلیل دولت - ملت بودن آن‌ها می‌باشد. لذا در راستای استقلال، الیتهای کرد در کردستان، دست به برند سازی هویتی و ژئوپلیتیکی منطقه کردستان زده‌اند که این برند سازی محصول کدهای جدید ژئوپلیتیک منطقه اقلیم می‌باشد. ظهور برند سازی ژئوپلیتیک که محصول نخبگان کرد می‌باشد، وابسته به ذینفعان آن می‌باشد چرا که آن‌ها شروع کننده و مدیریت فرآیند برند را بر عهده دارند. مدل برند سازی ژئوپلیتیک نوعی ویژه از برند و با هدف بازخوانش ژئوپلیتیکی و توأم با تعارض و خشونت است. این نحله می‌تواند تحلیل جامعی را از شبه دولت‌ها و یا ساختارهای دو فاکتو، ترسیم بنماید. فراموش نکنیم مدل برند سازی ژئوپلیتیک بر بافت ژئوپلیتیکی دولت ملت‌های ضعیف، علیه ساختار و له کارگزارهای جدید و بر روی گسل‌های تمدنی و سرزمینی رخ می‌دهد.

مدل برندسازی ژئوپلیتیک کردستان عراق: (عبداله پور، ۱۳۹۶)

کارکرد	اجرا	هویت برند
بسیج حامیان و متحدان (کوردایه تی و غرب) - مرعوب نمودن رقبا - تغییر رژیم و قلمرو	ساختار حکمرانی (مدل فدرالیسم) - قدرت نظامی - منابع (انرژی، آب و گاز) - ابزارهای ارتباطاتی (ماهواره، مطبوعات، دیاسپورا)	- چشم انداز (تنها ملت بی دولت در جهان) - ارزش‌ها (تاریخ، هویت، زبان، نژاد) - نمادها (پرچم، سرود و...) - اشخاص برند (پیشمرگه) - تصویر سازی از دشمن (تعارض با میدان‌ها) - ادعای قلمروئی (کردستان خود یک برند و دوری از نام کردستان ترکیه، عراق و ...)

با این وجود به دلایل متعددی مانند سندروم امنیتی و کرد فویبای دول همسایه، فقر منابع مالی و مهارتی کردها، تشتت آراء همه پرسسی در درون منطقه اقلیم و مشخصاً

مخالفت حزب گوران و بخشی از اتحادیه میهنی و جغرافیایی فقیر کردها در مناطق مورد مناقشه استان‌های کرکوک، نینوا و دیاله، نتیجه همه پرسی را عقیم و باعث قبض اقلیمی کردها، شد.

عوامل فرا منطقه‌ای و استقلال کردها:

باید عنوان نمود که منافع غرب در کشورهای خاورمیانه‌ای بر بستر شکافهای قومی رشد می‌کند و از این روست که آمریکا، گسلهای هویتی را در کردستان عراق فعال می‌نماید، چرا که با تضعیف حاکمیت ملی در میدان‌های منطقه‌ای، مناطق کردنشین، احزاب و زیر - قومیت‌های کرد در آن فعال و عمق ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک برای کردها فعال می‌گردد. به نوعی که می‌توان گفت روند تحولات مناطق کردنشین، پازل کشمکش‌ها و تلاش‌های هویت گرایانه کردهای منطقه را تکمیل کرده است، امری که پازل قومی منطقه از جمله ایران، ترکیه و سوریه را با جدال شکننده مواجه کرده است. (عبداله پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۵). این فعال‌سازی هویتی که توسط آمریکا صورت می‌گیرد سه شاخص ناسیونالیسم قومی، سلفی‌گری محدود و گسلهای هویتی را شامل می‌گردد. بنابراین، ایالات متحده، فارغ از حمایت و یا عدم حمایت از استقلال کردها، در صدد شکافهای قومی / مذهبی در منطقه می‌باشد ولی در خصوص کردستان عراق، بیم آن را دارد که این منطقه به سان عراق شیعه در دامان، کشوری مانند ایران قرار گیرد و یا با رشد رادیکالیسم مذهبی، یک متغیر بر مؤلفه‌های مبارزه با اسرائیل در منطقه بوجود آید. این موضع را می‌توان در عدم تائید وزیر خارجه آمریکا، رکس تیلرسون از همه پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق، مشاهده نمود. اما به طور حتم، استقلال کردستان عراق در راستای حداکثری منافع امنیتی اسرائیل می‌باشد. گرچه به نظر می‌رسد، این سود با توجه به دشمنان مشترک کردها و اسرائیل، دو جانبه می‌باشد. دسترسی به عمق مزوپوتامیا و نزدیکی به حوزه‌های تمدنی، عرب، ترک و فارس، آرزوی اسرائیل جهت کنشگری و ناامن نمودن فضای این منطقه است که به طور حتم با استقلال کردستان، این اتفاق خواهد افتاد. گرچه احزاب و تشکلهای فراوانی در کردستان، مخالف هرگونه حضور اسرائیل در منطقه می‌باشند ولی به

علت نهادینه شدن تفکر سکولار و سبک زندگی بورژوازی مردم کردستان عراق، این تفکر، تفکری حاشیه ای، می باشد. (عبداله پور و خانپور: ۱۳۹۲، ۸۰). در راستای حمایت از تشکیل دولت کرد باید به " طرح نئون" (Yinon Plan) که برنامه راهبردی اسرائیل برای اطمینان از برتری منطقه ای اسرائیل در منطقه است نیز اشاره داشت. این طرح اصرار دارد که اسرائیل باید محیط ژئوپلیتیکی خود را از طریق بالکانیزه نمودن کشورهای عربی و تبدیل آن ها به کشورهای کوچک، پیکر بندی مجدد نماید. در این طرح کشور عراق به عنوان بزرگ ترین چالش در کشورهای عربی می باشد و باید به کشور کرد و دو کشور عرب سنی و شیعه تقسیم گردد که نخستین گام در این طرح جنگ بین ایران و عراق بود.

اجرای این طرح برای اسرائیل دو دقیقه مهم دارد:

-تبدیل اسرائیل به یک قدرت منطقه ای

-تبدیل منطقه و کشورهای خاورمیانه به کشورهای کوچک و انحلال دول پر

قدرت منطقه (عبداله پور و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۰)

از سوئی در جامه مسلمان خاورمیانه، اسرائیل همیشه به عنوان یک کد نامنی شناخته شده است. می توان گفت که استراتژی پیرامونی اسرائیل گفتمان اصلی ژئوپلیتیکی اسرائیل را در چند دهه اخیر شکل داده ولی با حمله آمریکا به عراق و خیزش بنیادگرایی رادیکال سلفی، اسرائیل کد/ بینش جدید ژئوپلیتیکی جدیدی را برای خود تعریف نموده که استقلال کردستان عراق دارای یک اهمیت ویژه در طرح های منطقه ای اسرائیل است چراکه کردها بین ایران و ترکیه و دو دشمن خطرناک اسرائیل یعنی عراق و سوریه تقسیم شده اند. کردستان عراق با حاکمیت دو فاکتو یک منطقه استراتژیک برای اسرائیل می باشد که حضور در این منطقه یعنی کنترل اطلاعاتی بر حوزه های تمدنی، ایرانی، عرب و ترک و طبیعتاً یعنی اشراف بر خاورمیانه. بنابراین باید دلایل حضور و بذل توجه اسرائیل به مناطق کردنشین را تحلیل نمود. موقعیت کردستان عراق به عنوان یک منطقه مهم از خاورمیانه مزوپوتامیایی و با حاکمیت دو فاکتو یا دوژور، نه تنها تهدیدی برای اسرائیل نمی باشد بلکه فضای تنفس استراتژیک آن را در منطقه بالا می برد. (عبداله پور، ۱۳۹۰: ۱۰۱). از سوئی اسرائیل از طریق کنترل دولت کردی برای اعمال فشار بر ایران و ترکیه قدرت چانه زنی خود را بالا خواهد برد زیرا اسرائیل خواهد توانست مسأله

جدائی خواهی قومی را تبدیل به یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های امنیتی ایران و ترکیه بنماید و از طرف دیگر، قدرت چانه زنی اعراب با اسرائیل به علت تشکیل یک کشور غیر عرب در خاور میانه که مشکلات تاریخی با اعراب داشته و ظرفیت رابطه خوب با اسرائیل را دارد، کم خواهد شد. اسرائیل، زمینه‌های حضور خود را در کردستان عراق با زیر ساخت‌های فنی منطقه آغاز کرده است و با این تعبیر، همگرایی به تدریج موجب سیاسی شدن موضوعات فنی هم خواهد شد.

نتیجه‌گیری

آشوب قومی در خاورمیانه باعث پدید آمدن سوژه‌های خودمختار شده که علاوه بر سیر تحول آن‌ها از کلان به قوم و سپس ملت، حاکمیت‌های شکننده و ضعیف در منطقه نیز باعث پدید آوردن آنها شده‌اند. کردهای عراق با یک قرن مبارزه برای استقلال در این بازه زمانی، ظرفیت‌های لازم را برای این مهم بوجود آورده‌اند. سیر تحول آن‌ها از سرکوب، مبارزه، خود مختاری و حکومت دوفاکتو شروع و با همه پرسی استقلال، خواهان یک ساختار سیاسی دوژور، می‌باشند. از سال ۱۹۹۱ و تشکیل حکومت دوفاکتو در کردستان عراق، مرزهای جغرافیایی کردستان عراق شامل سه استان سلیمانیه، اربیل و دهوک بودند. این تقسیمات جغرافیایی بدنال فروپاشی حزب بعث و تا سال ۲۰۱۴ همچنان ادامه داشته است. اما با ظهور گروه تروریستی داعش، قلمرو جغرافیایی کردهای عراق به ۴ استان نینوا، دیالی، صلاح‌الدین و کرکوک نیز تسری و به نوعی بعد از پیدایش داعش، ژئوپلیتیک کردستان عراق گسترش یافته، با این توضیح که قلمرو خواهی کردهای عراق نه به سوی مرزهای شرقی خود با ایران بلکه عمق شمال عراق را نشانه رفته است. بنابراین مرزهای منطقه اقلیم کردستان در جنوب غرب تا ارتفاعات حمزین (حد فاصل بین تکریت و کرکوک)، در منتهی‌الیه شمال غرب، مرزهای سوریه (مناطق ربیعه و ارتفاعات شنگال)، و مناطق جنوبی (مناطق خانقین، سعديه و مندلی). حریم‌های مذکور محل‌های مورد مناقشه‌ای قلمرویی بین حکومت مرکزی و منطقه اقلیم بوده که در حال حاضر در قلمرو کردستان عراق جای گرفته است. ظهور و بروز داعش در دو حوزه داخلی و بین‌الملل، موقعیت کردها را برجسته نموده است. در بعد بین‌الملل، بین‌المللی شدن موضوع کردها و حمایت مالی و نظامی غرب از آن‌ها و در

بعد داخلی بسط ژئوپلیتیک و قلمرو خواهی. به طور کلی این پژوهش با نگاهی بدیغ به سوژه‌های خودمختار کردستان عراق، علاوه بر تبار شناسی هویتی و سرزمینی این منطقه، سازه‌های ارتقای این منطقه را به تصویر کشاند، سازه‌ای که ممکن است، نصب‌العین سایر کنشگران بی‌دولت، خاورمیانه گردد.

منابع:

- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۶)، بازخوانش جغرافیایی از دیاسپورا، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل سال هشتم، شماره ۳۷ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز
- حاتمی محمدرضا و میکایل سانبار، ۱۳۹۶، همه پرس‌های اقلیم کردستان؛ منابع و تنگناهای تشکیل دولت مستقل (فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی)، سال بیستم، شماره ۲ تابستان ۱۳۹۶، شماره مسلسل ۷۶
- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۶)، گفتمان ژئوپلیتیکی ترکیه در فضاهاى تجزیه شده خاورمیانه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
- متقی، ابراهیم و حجت کاظمی، (۱۳۸۶)، «سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست
- عبداله پور، محمدرضا، اخباری، محمد، کرمی راد، محمد (۱۳۹۳)، خرده میدان کردستان عراق در میدان‌های ایران و ترکیه، فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو به جغرافیا، دانشگاه آزاد واحد گرمسار
- عبداله پور، محمدرضا و قادری، رحیم (۱۳۹۴)، سوژگی ژئوپلیتیک حزب کارگران کردستان ترکیه در بین‌النهرین شمالی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان ۹۴
- عبداله پور، محمدرضا (۱۳۹۶)، همه پرس‌های استقلال کردستان عراق، برند سازی ژئوپلیتیک، همشهری دیپلماتیک، تیر و مرداد
- عبداله پور، محمدرضا (۱۳۹۰)، تعارض ژئوپلیتیکی کردستان عراق با میدان‌های منطقه‌ای، جذب اسرائیل در میدان مغناطیسی کردستان عراق، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۶۵

عبداله پور، محمدرضا و محسنی، علی. رسته. داوود (۱۳۹۶)، دیاسپورا و خیزش ناسیونالیسم کرد، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره اول، بهار ۹۶

عبداله پور و خانپور (۱۳۹۲)، کردستان عراق، از سرکوب تا حکومت دوفاکتو، انتشارات کلک سیمین، تهران

- Onuf, N, G, (1989), *World of Our Making: Rules and Rule in Social Theory and International Relations*, Columbia: University of South Carolina Press.
- Wendt, A, (1994), "Collective Identity and the International State," *American Political Science Review*, Vol, 88, pp 391- 425.
- Wendt, A, 1992, "Anarchy is What States Make of IT, The social Construction of Power Politics," *International Organization*, Vol, 46, No, 2, pp 391- 425.
- Goldenhuis. D (2004). *Contested States in World Politics*;
- Bahcheli. T () Barry Bartmann, and Henry Srebrnik (eds.), *De Facto States: The Quest for Sovereignty*; and Nina Caspersen and Gareth Stansfield, *Unrecognized States in the International System*
- Pegg. S. (1998) "De Facto States in the International System," *Institute of International Relations No. 21*, The University of British Columbia (1998).
- Randolph. S (1981) "The Status of Agreements Between the American Institute in Taiwan and the Coordination for North American Affairs," *The International Lawyer Vol. 15, No. 2 (1981): 249-262*
- Gunter.M (1993) "A De Facto Kurdish State in Northern Iraq," *Third World Quarterly Vol. 14, No. 2 (1993): 295-319*
- Deon Goldenhuys, *Contested States in World Politics*, 3.
- Scott Pegg, *International Society and the De Facto State*, 26.
- John McGarry, "Forward: De Facto States and the International Order," in Tozun Bahcheli, Barry Bartmann, and Henry Srebrnik (eds.), *De Facto States: The Quest for Sovereignty*, x.
- Stansfield. G () *Unrecognized States in the International System*,
- Chaim Kaufmann, "Possible and Impossible Solutions to Ethnic Civil Wars," *International Security Vol. 20, No. 4 (1996):*
- Christian Reus-Smit, "Constructivism," in Scott Burchill and Andrew Linklater (eds.), *Theories of International Relations (Houndmills, Basingstoke, Hampshire: MacMillan, 1996)*, 192.
- Ashutosh Varshney, *Ethnic Conflict and Civic Life: Hindus and Muslims in India (New Haven: Yale University Press, 2002)*, 31.
- 104- David A. Lake and Donald Rothchild (eds.), *The International Spread of Ethnic Conflict*, 6.
- Chaim Kaufmann, "Possible and Impossible Solutions to Ethnic Civil Wars," 152.

- 109- Louis Belanger, Érick Duchesne, and Jonathan Paquin, "Foreign Interventions and Secessionist Movements: The Democratic Factor," *Canadian Journal of Political Science* Vol. 38, No. 2 (2005): 435-462
- Natali, Denise. "The Politics of Kurdish Crude." *Middle East Policy* Vol. 19, No. 1 (2012): 110-118
- Gunter, Michael. "A De Facto Kurdish State in Northern Iraq." *Third World Quarterly* Vol. 14, No. 2 (1993): 295-319.
- Hassan. Z (2015). *The Origins and Evolution of De Facto States: Implications for Iraqi Kurdistan* The University of Western Ontario, A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree in Doctor of Philosophy
- Author interview with Abdulsalam Berwari, Member of Kurdistan Parliament – Kurdistan Democratic Party. Erbil, Iraq. 7 May 2013.
- Romano, D. (2010) "Iraqi Kurdistan: Challenges of Autonomy in the Wake of US Withdrawal,";
- Visser, D. (2010). "The Kurdish Issue in Iraq: The View from Baghdad at the Close of the Maliki Premiership," *The Fletcher Forum of World Affairs* Vol. 34, No. 1 (Winter 2010): 77-93.
- Gunter, M. (2010). "Arab-Kurdish Relations and the Future of Iraq," *Third World Quarterly* Vol. 32, No. 9 (2011), 1627.
- Author interview with Omar S. Hawrami, Member of Kurdistan Parliament – Kurdistan Democratic Party. Erbil, Iraq. 5 May 2013.
- Reus-Smit, Christian. "The Strange Death of Liberal International Theory." *European Journal of International Law* Vol. 12, No. 3 (2001): 573-593.
- Rolandsen, Øystein H. *Guerrilla Government: Political Changes in the Southern Sudan During the 1990s* (Uppsala: Nordic Africa Institute, 2005).
- Romano, David. "Iraqi Kurdistan: Challenges of Autonomy in the Wake of US Withdrawal." *International Affairs* Vol. 86, No. 6 (2010): 1345-1359.
- Romano, David. *The Kurdish Nationalist Movement: Opportunity, Mobilization and Identity* (Cambridge: Cambridge University Press, 2006).
- Randolph, Sean S. "The Status of Agreements Between the American Institute in Taiwan and the Coordination for North American Affairs." *The International Lawyer* Vol. 15, No. 2 (1981): 249-262.
- Reus-Smit, Christian. "Constructivism." In Scott Burchill and Andrew Linklater (eds.), *Theories of International Relations* (Houndmills, Basingstoke, Hampshire: MacMillan, 1996).